

اینجا نگاهی می‌اندازیم به سرنوشت کاراکترهایی که در فصل اول، دوم و سوم حضور داشته‌اند. کاراکترهایی که با آنها آشنا شدیم و حالا تعداد کمی نشان به فصل چهارم زخم کاری رسیدند:

مالک مالکی اجواد عزتی

داستان حول محور شخصیت مالک مالکی می‌گذرد. جوانی زیاده‌خواه که طمع در پایان فصل یک کار دستش داد و خانواده‌اش را در معرض نابودی قرار داد. مالک در پایان فصل در انتقام عجیب به دست معشوق سابقش (مصوره) با چاقو زخمی شد و در آغاز فصل دوم شاهد بودیم که توسط ناصر ریزآبادی در تابوت گذاشته و در یکی از زمین‌های کشاورزی در شمال کشور به خاک سپرده شد. مالک به کمک دستمالچی از مرگ نجات پیدا کرد و در طول فصل دوم سایه حضورش بر روی تمامی شخصیت‌ها افتاده بود. چنانچه محمدرضا تخت‌کشیان ساخته شده است. جواد عزتی، رعنا آزادی‌پور، کامبیز درباز، الناز ملک، مهراوه شریفی‌نیا، الهه حصار، سیدجواد هاشمی، عرفان ناصری، پژواک ایمانی، فاطمه مسعودی‌فر و مهران غفوریان بازیگران فصل سوم «زخم کاری» بودند.

همانطور که همه می‌دانیم، سریال محبوب زخم کاری فصل چهارم دارد و در این فصل، تکلیف بسیاری از شخصیت‌ها مشخص می‌شود. اما هنوز نام نهایی این فصل و زمان دقیق پخش آن از فیلمو مشخص نشده است. فقط آنچه تا قبل از تدوین نهایی فصل ۴ زخم کاری مشخص است اینکه، این فصل به نسبت فصل‌های ۲ و ۳ کمی کوتاه‌تر است. جواد عزتی همچون فصل پیش، نقش محوری دارد و بازیگران جدیدی هم برای پیشبرد داستان، به آن اضافه شده‌اند. فیلمبرداری عمده این فصل همزمان با ضبط فصل قبلی انجام گرفت و مراحل پست‌پروداکشن فصل ۴ زخم کاری در حال انجام است. بر اساس داستان زخم کاری ۴ پخش کوتاهی از فیلمبرداری نیاز به حضور در نور داشت که فیلمبرداری آن هم در ابتدای آبان ۱۴۰۳، در اسلو پایتخت نوروز با حضور بازیگران اصلی به پایان رسید. اما آیا این فصل، فصل آخر زخم کاری است؟ اجازه دهید پاسخ این سوال بماند برای روزهای آینده و نزدیک شدن به پخش آن؟ چرا؟ چون هنوز بوی خون می‌آید...

سرنوشت برخی شخصیت‌های سریال زخم کاری

پشت پرده هلدینگ ریزآبادی رابطه عاطفی برقرار کرد و در غیاب همسر سابقش سعی کرد با نزدیک شدن به طلوعی خودش و فرزندش را از گزند ریزآبادی‌ها در امان نگه دارد. اگرچه پایان فصل دوم اتفاقات طور دیگری رقم خورد و با بازگشت مالک همه معادلات سمیرا به هم ریخت. اما با آمدن مالک در فصل سوم زخم کاری سمیرا سعی کرد فاصله‌اش را با طلوعی

طوری که نشان داد حضور او و قدرتی که‌داردمی تواند تمامی آنچه که هلدینگ ریزآبادی دارد را مدیریت کند. طلوعی یکی از افراد با نفوذ و ریاکاری است که نمونه‌های آن را در دستگاه‌های دولتی زیاد دیده‌ایم. آدمی که در ظاهر هیچ کاره است و یک خیریه برای کمک به افراد ناتوان دارد ولی در پشت پرده تمامی قدرت را در دست گرفته است. تقابل این شخصیت جذاب با مالک در پایان

فرهنگ و هنر

یکی از شخصیت‌های متفاوت و جذاب سریال زخم کاری سیما با بازی الناز ملک است. شخصیتی متفاوت و یکی از زنان جاه‌طلب که دقیقاً نقطه مقابل سمیرا است. سیما همسر دوم شفاعت بعد از مرگ همسر اولش بود و دشمن شماره یک طلوعی به شمار می‌آید. زنی که سعی می‌کرد از فرزندان شوهرش مراقبت کند اما بعد از مرگ خودخواسته شیدا دیگر تبدیل به یکی

حالا سلاطین نبود نهایی مشخص تو شدند؛

در انتظار سریال زخم کاری ۴

■ با نزدیک شدن به پخش فصل چهارم «زخم کاری»، تصویربرداری بخش‌های خارج از کشور این فصل نیز به پایان رسید.



از خودخواهان او شدند و در فصل سوم همراه مالک یکی از افرادی بود که در نقشه‌های مختلف تصمیم گرفت تا طلوعی را در دام بیندازد و در نهایت با کمک مالک او را به قتل رساند. سیما

بیشتر کند و به مالک نزدیک شود تا کمک و همدستی او بتواند انتقام مرگ میثم پسرش را از طلوعی بگیرد. بارو شدن وصیت‌نامه حاج عمو مشخص شد که بیش از نیمی از سهام شرکت و یک سوم اموال حاج عمو به سمیرا رسیده است و قدرت سمیرا باعث شد او تصمیم بگیرد حتی مالک را بازیچه دست خود کند. با این حال در پایان فصل سوم شاهد بودیم که مالک پس از آنکه طلوعی را به قتل رساند با مشت و لگد حسابی از خجالت سمیرا در آمد و با اکثریت آرای هیات مدیره مدیر عامل هلدینگ ریزآبادی شد تا ماجراهای سمیرا و مالک در فصل چهارم ادامه پیدا کند.

این سریال به کارگردانی محمدحسین مهدویان و تهیه‌کنندگی محمدرضا تخت‌کشیان ساخته شده است. جواد عزتی، رعنا آزادی‌پور، کامبیز درباز، الناز ملک، مهراوه شریفی‌نیا، الهه حصار، سیدجواد هاشمی، عرفان ناصری، پژواک ایمانی، فاطمه مسعودی‌فر و مهران غفوریان بازیگران فصل سوم «زخم کاری» بودند.

مالک و سیما با همکاری هم او را در ترکیه و در ولایتی در حومه استانبول گرفتار کرده و به قتل رساندند تا پرونده شخصیت با نفوذ و برآموز و بی رحم سریال زخم کاری برای همیشه بسته شود. یکی از اضلاع مثلث اصلی وارثان

سیما الناز ملک

از اسپاد شخصیتی فارغ از هیاهوی بازی قدرت نشان می‌دهد. اما سیما بعد از مرگ شفاعت برای آنکه فردی را در دم و دستگاه طلوعی داشته باشد اسپاد را وارد بازی می‌کند. او حتی به خواست سیما مجبور است با یکی از دو دختر طلوعی ازدواج کند تا این اتفاق تبدیل به برگ برنده در دست سیما باشد. اسپاد اگرچه دل به فرزند دختر بزرگ طلوعی بسته بود اما دلدادگی او به دختر طلوعی به نقطه ضعف او تبدیل شد تا مالک از این موقعیت استفاده کند تا هم اسپاد را که بی‌گناه بود از مهلکه نجات دهد. هم فرزندش را با پاپوش قتل اسپاد از ماجرا حذف کند. اسپاد هم به آرزویش برسد و برای همیشه مهاجرت کند.

انسبه افاطمه مسعودی‌فر

انسبه دختر طلوعی از همسر صیغهای او است. دختری زجر کشیده و سختی دیده که بعد از سال‌ها به واسطه رد نشانی که مالک و سیما در اختیارش گذاشتند توانست پدرش را پیدا کند. انسبه بنسایه گفته مادرش گمان می‌کرد پدرش در همان کودکی او از دنیا رفته اما حالا او با یک فرزند و جدا شدن از همسر معاندش و گذران زندگی با کارگری در خانه‌های مردم به پدرش ملحق شده. جهان انسبه با جهان آدم‌های داخل قصه متفاوت است و او هیچ شناختی از سیاهی فضای داستان ندارد. انسبه در نهایت با فراری شدن پدرش و پاپوشی که برای قتل شوهر سابقش برای دوختن مجبور شد با واگذاری سهام به سیما از کشور فرار کند و داستان حضورش در سریال بسته شود.

فرناز طلوعی | پانتیه آ

فرناز دختر مسعود طلوعی یکی از دختران مستقل داستان است که اگرچه به پدرش علاقه‌مند است اما سعی می‌کند در ماجرای رابطه طلوعی و سمیرا به پدرش نیز هشدار بدهد. فرناز در فصل سوم با ورود خواهرش انسبه که از زن دوم پدرش بود زندگی متفاوتی را تجربه کرد. او عاشق اسپاد شد و وقتی که پدرش به خاطر لو رفتن اسناد فساد از کشور فراری شد مالک نقشه قتل ساختگی اسپاد را کشید تا فرناز هم با اتهام قتل اسپاد سهم از سهام هلدینگ را به سیما واگذار کند و از کشور فرار کند. با فرار کردن فرناز خانواده طلوعی برای همیشه باشان از ثروت هلدینگ ریزآبادی کنده شد.

کیمیا الهه حصار

کیمیا | الهه حصار کیمیا در فصل اول نشان داد یکی از زنان تاثیرگذار زندگی مالک و ریزآبادی‌ها است. کیمیا پس از آنکه سعی کرد به مالک نزدیک شود و به واسطه رابطه عاطفی که برقرار کرده است مالک را سرکشیه کند، با سمیرا آشنا شد و سمیرا او را ادامه این رابطه بر حذر داشت. در فصل دوم او کاراکتری دلنوسز برای خانواده مالک بود و سعی می‌کرد میثم و سمیرا را راهنمایی کند و آنها را از طلوعی دور بماند. کیمیا بود و دلنوسزی کیمیا برای مالک پایانی نداشت...

دستمالچی | سیدجواد هاشمی

دستمالچی یکی از مهره‌های امنیتی است که برای گرفتار کردن مفسدان دانه درشت اقتصادی از جمله طلوعی و تمامی شرکایش سعی کرده است به آن‌ها نزدیک شود. دستمالچی در فصل دوم مالک را که زنده به گور در تابوت بود از مرگ نجات داد و تلاش کرد تا مالک به زندگی عادی بازگردد و در عوض در ازای آن مالک هم دست تمامی عوامل فساد را رو کند و به نیروهای امنیتی و قضایی کمک کند. در فصل سوم هم دستمالچی تلاش کرد تا مالک را همراه خود کند اما مالک با ترندهایی گاهی اوقات از دست او فرار می‌کرد و به کارهایش می‌رسید. مانند قتل طلوعی که دستمالچی متوجه نشد. در قسمت‌های پایانی فصل سوم دستمالچی متوجه زیرآبی رفتن هم مالک شد و به او گفت که دیگر دشمن شماره یک او است و حالا باید منتظر فصل چهارم و تقابل دستمالچی و مالک باشیم.

دختر پیشگو | نبوشا علیپور

دختر پیشگوی یکی از کلیدی‌ترین شخصیت‌های سریال زخم کاری دختر پیشگوی است که مالک به واسطه حرف‌های او تصمیم‌های عجیب و محمودحسینی زادم حضور دارد. البته در زمان حسینی زادم شخصیت کولی و پیشگو پرننگ‌تر است اما در سریال

دختر پیشگو | نبوشا علیپور

دختر پیشگوی یکی از کلیدی‌ترین شخصیت‌های سریال زخم کاری دختر پیشگوی است که مالک به واسطه حرف‌های او تصمیم‌های عجیب و محمودحسینی زادم حضور دارد. البته در زمان حسینی زادم شخصیت کولی و پیشگو پرننگ‌تر است اما در سریال

کیمیا الهه حصار

کیمیا | الهه حصار کیمیا در فصل اول نشان داد یکی از زنان تاثیرگذار زندگی مالک و ریزآبادی‌ها است. کیمیا پس از آنکه سعی کرد به مالک نزدیک شود و به واسطه رابطه عاطفی که برقرار کرده است مالک را سرکشیه کند، با سمیرا آشنا شد و سمیرا او را ادامه این رابطه بر حذر داشت. در فصل دوم او کاراکتری دلنوسز برای خانواده مالک بود و سعی می‌کرد میثم و سمیرا را راهنمایی کند و آنها را از طلوعی دور بماند. کیمیا بود و دلنوسزی کیمیا برای مالک پایانی نداشت...

انسبه افاطمه مسعودی‌فر

انسبه دختر طلوعی از همسر صیغهای او است. دختری زجر کشیده و سختی دیده که بعد از سال‌ها به واسطه رد نشانی که مالک و سیما در اختیارش گذاشتند توانست پدرش را پیدا کند. انسبه بنسایه گفته مادرش گمان می‌کرد پدرش در همان کودکی او از دنیا رفته اما حالا او با یک فرزند و جدا شدن از همسر معاندش و گذران زندگی با کارگری در خانه‌های مردم به پدرش ملحق شده. جهان انسبه با جهان آدم‌های داخل قصه متفاوت است و او هیچ شناختی از سیاهی فضای داستان ندارد. انسبه در نهایت با فراری شدن پدرش و پاپوشی که برای قتل شوهر سابقش برای دوختن مجبور شد با واگذاری سهام به سیما از کشور فرار کند و داستان حضورش در سریال بسته شود.

فرناز طلوعی | پانتیه آ

فرناز دختر مسعود طلوعی یکی از دختران مستقل داستان است که اگرچه به پدرش علاقه‌مند است اما سعی می‌کند در ماجرای رابطه طلوعی و سمیرا به پدرش نیز هشدار بدهد. فرناز در فصل سوم با ورود خواهرش انسبه که از زن دوم پدرش بود زندگی متفاوتی را تجربه کرد. او عاشق اسپاد شد و وقتی که پدرش به خاطر لو رفتن اسناد فساد از کشور فراری شد مالک نقشه قتل ساختگی اسپاد را کشید تا فرناز هم با اتهام قتل اسپاد سهم از سهام هلدینگ را به سیما واگذار کند و از کشور فرار کند. با فرار کردن فرناز خانواده طلوعی برای همیشه باشان از ثروت هلدینگ ریزآبادی کنده شد.

کیمیا الهه حصار

کیمیا | الهه حصار کیمیا در فصل اول نشان داد یکی از زنان تاثیرگذار زندگی مالک و ریزآبادی‌ها است. کیمیا پس از آنکه سعی کرد به مالک نزدیک شود و به واسطه رابطه عاطفی که برقرار کرده است مالک را سرکشیه کند، با سمیرا آشنا شد و سمیرا او را ادامه این رابطه بر حذر داشت. در فصل دوم او کاراکتری دلنوسز برای خانواده مالک بود و سعی می‌کرد میثم و سمیرا را راهنمایی کند و آنها را از طلوعی دور بماند. کیمیا بود و دلنوسزی کیمیا برای مالک پایانی نداشت...

دستمالچی | سیدجواد هاشمی

دستمالچی یکی از مهره‌های امنیتی است که برای گرفتار کردن مفسدان دانه درشت اقتصادی از جمله طلوعی و تمامی شرکایش سعی کرده است به آن‌ها نزدیک شود. دستمالچی در فصل دوم مالک را که زنده به گور در تابوت بود از مرگ نجات داد و تلاش کرد تا مالک به زندگی عادی بازگردد و در عوض در ازای آن مالک هم دست تمامی عوامل فساد را رو کند و به نیروهای امنیتی و قضایی کمک کند. در فصل سوم هم دستمالچی تلاش کرد تا مالک را همراه خود کند اما مالک با ترندهایی گاهی اوقات از دست او فرار می‌کرد و به کارهایش می‌رسید. مانند قتل طلوعی که دستمالچی متوجه نشد. در قسمت‌های پایانی فصل سوم دستمالچی متوجه زیرآبی رفتن هم مالک شد و به او گفت که دیگر دشمن شماره یک او است و حالا باید منتظر فصل چهارم و تقابل دستمالچی و مالک باشیم.

دختر پیشگو | نبوشا علیپور

دختر پیشگوی یکی از کلیدی‌ترین شخصیت‌های سریال زخم کاری دختر پیشگوی است که مالک به واسطه حرف‌های او تصمیم‌های عجیب و محمودحسینی زادم حضور دارد. البته در زمان حسینی زادم شخصیت کولی و پیشگو پرننگ‌تر است اما در سریال

کیمیا الهه حصار

کیمیا | الهه حصار کیمیا در فصل اول نشان داد یکی از زنان تاثیرگذار زندگی مالک و ریزآبادی‌ها است. کیمیا پس از آنکه سعی کرد به مالک نزدیک شود و به واسطه رابطه عاطفی که برقرار کرده است مالک را سرکشیه کند، با سمیرا آشنا شد و سمیرا او را ادامه این رابطه بر حذر داشت. در فصل دوم او کاراکتری دلنوسز برای خانواده مالک بود و سعی می‌کرد میثم و سمیرا را راهنمایی کند و آنها را از طلوعی دور بماند. کیمیا بود و دلنوسزی کیمیا برای مالک پایانی نداشت...

انسبه افاطمه مسعودی‌فر

انسبه دختر طلوعی از همسر صیغهای او است. دختری زجر کشیده و سختی دیده که بعد از سال‌ها به واسطه رد نشانی که مالک و سیما در اختیارش گذاشتند توانست پدرش را پیدا کند. انسبه بنسایه گفته مادرش گمان می‌کرد پدرش در همان کودکی او از دنیا رفته اما حالا او با یک فرزند و جدا شدن از همسر معاندش و گذران زندگی با کارگری در خانه‌های مردم به پدرش ملحق شده. جهان انسبه با جهان آدم‌های داخل قصه متفاوت است و او هیچ شناختی از سیاهی فضای داستان ندارد. انسبه در نهایت با فراری شدن پدرش و پاپوشی که برای قتل شوهر سابقش برای دوختن مجبور شد با واگذاری سهام به سیما از کشور فرار کند و داستان حضورش در سریال بسته شود.

فرناز طلوعی | پانتیه آ

فرناز دختر مسعود طلوعی یکی از دختران مستقل داستان است که اگرچه به پدرش علاقه‌مند است اما سعی می‌کند در ماجرای رابطه طلوعی و سمیرا به پدرش نیز هشدار بدهد. فرناز در فصل سوم با ورود خواهرش انسبه که از زن دوم پدرش بود زندگی متفاوتی را تجربه کرد. او عاشق اسپاد شد و وقتی که پدرش به خاطر لو رفتن اسناد فساد از کشور فراری شد مالک نقشه قتل ساختگی اسپاد را کشید تا فرناز هم با اتهام قتل اسپاد سهم از سهام هلدینگ را به سیما واگذار کند و از کشور فرار کند. با فرار کردن فرناز خانواده طلوعی برای همیشه باشان از ثروت هلدینگ ریزآبادی کنده شد.

کیمیا الهه حصار

کیمیا | الهه حصار کیمیا در فصل اول نشان داد یکی از زنان تاثیرگذار زندگی مالک و ریزآبادی‌ها است. کیمیا پس از آنکه سعی کرد به مالک نزدیک شود و به واسطه رابطه عاطفی که برقرار کرده است مالک را سرکشیه کند، با سمیرا آشنا شد و سمیرا او را ادامه این رابطه بر حذر داشت. در فصل دوم او کاراکتری دلنوسز برای خانواده مالک بود و سعی می‌کرد میثم و سمیرا را راهنمایی کند و آنها را از طلوعی دور بماند. کیمیا بود و دلنوسزی کیمیا برای مالک پایانی نداشت...

دستمالچی | سیدجواد هاشمی

دستمالچی یکی از مهره‌های امنیتی است که برای گرفتار کردن مفسدان دانه درشت اقتصادی از جمله طلوعی و تمامی شرکایش سعی کرده است به آن‌ها نزدیک شود. دستمالچی در فصل دوم مالک را که زنده به گور در تابوت بود از مرگ نجات داد و تلاش کرد تا مالک به زندگی عادی بازگردد و در عوض در ازای آن مالک هم دست تمامی عوامل فساد را رو کند و به نیروهای امنیتی و قضایی کمک کند. در فصل سوم هم دستمالچی تلاش کرد تا مالک را همراه خود کند اما مالک با ترندهایی گاهی اوقات از دست او فرار می‌کرد و به کارهایش می‌رسید. مانند قتل طلوعی که دستمالچی متوجه نشد. در قسمت‌های پایانی فصل سوم دستمالچی متوجه زیرآبی رفتن هم مالک شد و به او گفت که دیگر دشمن شماره یک او است و حالا باید منتظر فصل چهارم و تقابل دستمالچی و مالک باشیم.

دختر پیشگو | نبوشا علیپور

دختر پیشگوی یکی از کلیدی‌ترین شخصیت‌های سریال زخم کاری دختر پیشگوی است که مالک به واسطه حرف‌های او تصمیم‌های عجیب و محمودحسینی زادم حضور دارد. البته در زمان حسینی زادم شخصیت کولی و پیشگو پرننگ‌تر است اما در سریال

کیمیا الهه حصار

کیمیا | الهه حصار کیمیا در فصل اول نشان داد یکی از زنان تاثیرگذار زندگی مالک و ریزآبادی‌ها است. کیمیا پس از آنکه سعی کرد به مالک نزدیک شود و به واسطه رابطه عاطفی که برقرار کرده است مالک را سرکشیه کند، با سمیرا آشنا شد و سمیرا او را ادامه این رابطه بر حذر داشت. در فصل دوم او کاراکتری دلنوسز برای خانواده مالک بود و سعی می‌کرد میثم و سمیرا را راهنمایی کند و آنها را از طلوعی دور بماند. کیمیا بود و دلنوسزی کیمیا برای مالک پایانی نداشت...

انسبه افاطمه مسعودی‌فر

انسبه دختر طلوعی از همسر صیغهای او است. دختری زجر کشیده و سختی دیده که بعد از سال‌ها به واسطه رد نشانی که مالک و سیما در اختیارش گذاشتند توانست پدرش را پیدا کند. انسبه بنسایه گفته مادرش گمان می‌کرد پدرش در همان کودکی او از دنیا رفته اما حالا او با یک فرزند و جدا شدن از همسر معاندش و گذران زندگی با کارگری در خانه‌های مردم به پدرش ملحق شده. جهان انسبه با جهان آدم‌های داخل قصه متفاوت است و او هیچ شناختی از سیاهی فضای داستان ندارد. انسبه در نهایت با فراری شدن پدرش و پاپوشی که برای قتل شوهر سابقش برای دوختن مجبور شد با واگذاری سهام به سیما از کشور فرار کند و داستان حضورش در سریال بسته شود.

فرناز طلوعی | پانتیه آ

فرناز دختر مسعود طلوعی یکی از دختران مستقل داستان است که اگرچه به پدرش علاقه‌مند است اما سعی می‌کند در ماجرای رابطه طلوعی و سمیرا به پدرش نیز هشدار بدهد. فرناز در فصل سوم با ورود خواهرش انسبه که از زن دوم پدرش بود زندگی متفاوتی را تجربه کرد. او عاشق اسپاد شد و وقتی که پدرش به خاطر لو رفتن اسناد فساد از کشور فراری شد مالک نقشه قتل ساختگی اسپاد را کشید تا فرناز هم با اتهام قتل اسپاد سهم از سهام هلدینگ را به سیما واگذار کند و از کشور فرار کند. با فرار کردن فرناز خانواده طلوعی برای همیشه باشان از ثروت هلدینگ ریزآبادی کنده شد.

کیمیا الهه حصار

کیمیا | الهه حصار کیمیا در فصل اول نشان داد یکی از زنان تاثیرگذار زندگی مالک و ریزآبادی‌ها است. کیمیا پس از آنکه سعی کرد به مالک نزدیک شود و به واسطه رابطه عاطفی که برقرار کرده است مالک را سرکشیه کند، با سمیرا آشنا شد و سمیرا او را ادامه این رابطه بر حذر داشت. در فصل دوم او کاراکتری دلنوسز برای خانواده مالک بود و سعی می‌کرد میثم و سمیرا را راهنمایی کند و آنها را از طلوعی دور بماند. کیمیا بود و دلنوسزی کیمیا برای مالک پایانی نداشت...

ویژه کودک و نوجوان

بچه‌های جزیره

ابتدای هر کلمه را به پایانش وصل کن

le	ar	☆
du	af	☀
st	bra	🐎
bi	ck	🐥
ze	rd	🐦
tr	ke	🍰
ba	ain	🚂
ti	ll	🍎
ca	ger	🐱

تفاوت‌ها را پیدا کن



با توجه به راهنما رنگ آمیزی کن



آقا خرگوش را به هویج‌ها برسان



«آرتین»



تصاویر کودکان دل‌بند خود را می‌توانید به این شماره ارسال فرمایید.

۰۹۰۳۲۲۸۲۵۴۶

